

کودکان طلاق

و نقش مربیان در کاهش افت تحصیلی آنها



عاطفه شفیعی نیک آبادی
کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

ازدواج می‌شوند. روابط زناشویی موفق می‌تواند بسیاری از نیازهای جسمانی و روانی را در محیطی امن برآورده سازد و تأثیری بسزا بر سلامت و بهداشت روانی افراد داشته باشد. در مقابل، طلاق یکی از پیامدهای اختلافات زناشویی و یکی از پراسترس‌ترین وقایع زندگی به شمار می‌آید و با اختلالات جسمی و روانی مرتبط است. **کلی و والدشتاین**، اولین پیشگامان این حیطه، از طلاق به‌عنوان عامل بالقوه در مشکلات تحولی کودکان یاد کرده‌اند. از جمله این تأثیرات در کودکان پیش‌دبستانی می‌توان از کاهش عملکرد در مدرسه، مشکلات سازشی مزمن مثل افسردگی و عزت نفس پایین، و مشکلات تعاملی با هم‌سالان به‌ویژه در کلاس‌های بالاتر نام برد. این نکات در پژوهش‌های متعدد تأیید شده‌اند.

کال و بیر نشان دادند، کودکان طلاق معدل پایین‌تری نسبت به کودکانی دارند که متعلق به خانواده‌های سالم هستند. همچنین آن‌ها دریافتند، معلمان به‌صورت مکرر کودکان طلاق را در مقایسه با کودکانی که از خانواده‌های سالم هستند، دارای مشکلات رفتاری و نگرشی شناسایی می‌کنند.

همچنین مطالعات نشان می‌دهند: دختران خانواده‌های طلاق نسبت به دختران عادی در سلامت عمومی و عملکرد تحصیلی پایین‌تر و در میزان پرخاشگری بالاتر هستند.

با توجه به اینکه تحقیقات پیشین در این زمینه بیشتر به مطالعه زوجین پرداخته‌اند، در مقاله حاضر سعی خواهد شد کاهش افت تحصیلی در کودکان طلاق به وسیله مربیان مورد بررسی قرار گیرد و به ارائه راهکارهای پیشنهادی بپردازیم.

بیان مسئله

آموزش و پرورش یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است که از

چکیده

افت تحصیلی امروزه یکی از نگرانی‌های مهم خانواده و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است. همه ساله تعداد زیادی از دانش‌آموزان در کشورهای مختلف با پدیده‌ای به نام افت تحصیلی مواجه می‌شوند. تجربه‌های خانوادگی می‌توانند در عملکرد تحصیلی کودک مؤثر باشند و طلاق والدین یکی از عوامل مؤثر در افت تحصیلی دانش‌آموزان به حساب می‌آید. آگاهی مربیان مدرسه و سطح بالای درک آن‌ها از شرایط کودکان طلاق، تأثیر زیادی بر عملکرد کودکان طلاق در مدرسه دارد و از مشکلات کودکان طلاق در مدرسه می‌کاهد. مقاله حاضر، با روش مروری و کتابخانه‌ای به بحث کاهش افت تحصیلی کودکان طلاق پرداخته و در آخر با ارائه پیشنهادی کاربردی مؤثر در این زمینه سعی کرده است فضای جدیدی در این فرایند شکل بدهد.

کلیدواژه‌ها: افت تحصیلی، کودکان طلاق، مربیان مدرسه، مشکلات خانوادگی

مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی‌ترین و از نظر گستردگی جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی است. روابط مناسب اجتماعی بر پایه روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مطلوب‌تر باشد، خانواده و به دنبال آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود.

ازدواج پدیده‌ای پیچیده است و انسان‌ها به دلایل گوناگون ازدواج می‌کنند. عشق، امید، نیازهای عاطفی و جنسی، امنیت، احساس آرامش و دوری از تنهایی از عواملی هستند که سبب گرایش به

شکست تحصیلی یکی از عواملی است که موجب کاهش کارایی نظام آموزشی، از جمله در دوره متوسطه می‌شود و در پایه‌های اول دبیرستان علاوه بر تکرار پایه ممکن است به ترک تحصیل بینجامد

بدو تشکیل زندگی گروهی انسان، در پاسخ به نیاز انسان‌ها در روابط متقابل، به شکل ابتدایی خود وجود داشته است. آموزش و پرورش رسمی از اوایل قرن حاضر به صورت نظامی فراگیر، ابتدا جوامع پیشرفته را فراگرفته است. امروزه جامعه‌ای نیست که این نظام نقشی در تحول و پیشرفت آن نداشته باشد.

خانواده به عنوان نهادی اجتماعی، با وجود دگرگونی‌های بسیار هنوز هم در رشد روانی هنجار و انتقال ارزش‌های فرهنگی هر جامعه کارکرد اساسی به عهده دارد و باید برای قوام و تحکیم جایگاه آن برنامه‌ریزی جهانی، ملی و منطقه‌ای صورت گیرد. رشد و تکامل و فعال شدن استعدادها و توانایی‌های هر شخص مستلزم وجود خانواده سالم، جامعه سالم و موقعیت سالم است و توأم بودن آن‌ها از ضرورت‌های آموزش و پرورش موفق است.

«افت تحصیلی» امروزه یکی از نگرانی‌های مهم خانواده و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است. همه ساله تعداد زیادی از دانش‌آموختگان در کشورهای جهان با پدیده‌ای به نام افت تحصیلی مواجه می‌شوند. این پدیده، علاوه بر زبان‌های هنگفت اقتصادی که به دلیل تکرار پایه یا صرف هزینه مجدد برای دانش‌آموخته انجام می‌پذیرد، آثار سویی بر سلامت روحی دانش‌آموز به جا می‌گذارد. افت تحصیلی علاوه بر آثار سوء اقتصادی در شکل ملی، تأثیری ناگوار بر سلامت روانی دانش‌آموزان می‌گذارد و نگرانی نامطلوبی برای خانواده به دنبال دارد. تجربه‌های خانوادگی می‌توانند در عملکرد تحصیلی کودک مؤثر باشند و این در زندگی بعدی کودک اثر بسزایی دارد.

شکست تحصیلی یکی از عواملی است که موجب کاهش کارایی نظام آموزشی، از جمله در دوره متوسطه می‌شود و در پایه‌های اول دبیرستان علاوه بر تکرار پایه ممکن است به ترک تحصیل بینجامد. هر یک از این نتایج آثار نامطلوبی بر نظام‌های آموزشی می‌گذارند.

افت تحصیلی را نباید نادیده گرفت، زیرا محققان نشان داده‌اند، بین افت تحصیلی، مردودی و ترک تحصیل در دبیرستان ارتباط وجود دارد و اکثر دانش‌آموزانی که تجربه مردودی دارند، عاقبت مدرسه را رها می‌کنند. برخی از محققان گزارش کرده‌اند که ترک تحصیل کنندگان پنج برابر بیشتر از دیگر دانش‌آموزان تجربه مردودی دارند. بنابراین اگر به طور جدی در جهت کاهش افت تحصیلی و نهایتاً مردودی و ترک تحصیل اقدام نشود، منابع جامعه به خصوص منابع انسانی، این گنجینه‌های ملی، به هدر خواهد رفت.

با توجه به موارد بیان‌شده، فرزندان حاصل از طلاق والدین یکی از گروه‌های در معرض آسیب محسوب می‌شوند که نیاز است، با توجه ویژه‌ای به آن‌ها به بررسی این گروه بپردازیم.

پیشینه پژوهش

یونسکی و همکارانش (۱۳۸۹)، در پژوهشی با هدف «مقایسه سلامت روان، عزت نفس و مسئولیت‌پذیری در دختران دوره راهنمایی خانواده‌های طلاق و عادی» نشان دادند: دختران خانواده‌های طلاق از

مسئولیت‌پذیری، عزت نفس و سلامت روان کلی و خرده‌مقیاس‌های آن، نظیر نشانه‌های بدنی، اضطراب و بی‌خوابی، ناکارایی اجتماعی، و افسردگی، با دختران خانواده‌های عادی تفاوت معناداری دارند که ناشی از عوارض ناخوشایند طلاق والدین بر فرزندان است.

پژوهش **رضا دادفر** و همکارانش (۱۳۹۲) نشان داد: بین «عوامل خانوادگی» «افت تحصیلی» در دو گروه دختر و پسر رابطه معنادار وجود دارد. عوامل خانوادگی بررسی شده عبارت‌اند از پایگاه اقتصادی و اجتماعی، سطح تحصیلات در خانواده، داشتن امکانات، و نابسامانی و مشکلات در خانواده.

در پژوهش **رباطی** و همکارانش (۱۳۹۴) که با هدف «بررسی تاب‌آوری و پرخاشگری در فرزندان عادی» انجام پذیرفت، یافته‌های پژوهش نشان دادند: تاب‌آوری و پرخاشگری در گروه‌های مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری دارد. بدین معنا که تاب‌آوری در فرزندان عادی به نسبت فرزندان طلاق بیشتر و همچنین پرخاشگری فرزندان عادی نسبت به فرزندان طلاق کمتر بود.

پژوهش **شعبانی** و همکارش (۱۳۹۵) که با هدف «بررسی مقایسه‌ای نیم‌رخ روانی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی خانواده‌های عادی و طلاق شهر گرگان در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳» انجام گرفته، نشان داده است که دختران خانواده‌های طلاق بیشتر از دختران خانواده‌های عادی علائم اختلالات نام‌برده را نشان می‌دهند. با توجه به یافته‌های این تحقیق می‌توان اظهار داشت که طلاق والدین تنها زندگی خود آن‌ها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بلکه شاید بیش از آن بر زندگی فرزندان تأثیر می‌گذارد.

افت تحصیلی در کودکان طلاق

نفوذ والدین جنبه وراثتی ندارد، بلکه در آشنایی کودک با زندگی اجتماعی و فرهنگ‌پذیری او در جامعه نقش مؤثری دارد. حال اگر کودک در کانون گرم و امن خانواده و در سایه آسایش و امنیت زندگی کند، فرد موفق می‌شود. ولی اگر در شرایطی خلاف آن رشد کند، معضل بزرگی به نام افت تحصیلی به وجود خواهد آمد و طلاق والدین یکی از عوامل مؤثر در افت تحصیلی دانش‌آموزان به حساب می‌آید. تحقیقات نشان می‌دهند که افت تحصیلی در فرزندان طلاق و حتی کودکانی که در پرورشگاه بزرگ می‌شوند، بیشتر است.

از طرف دیگر، کودکانی که والدینشان از ازدواج خود راضی نیستند اما در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، بیشتر در معرض این اضطراب قرار می‌گیرند. زیرا احساس ناامنی از ادامه زندگی والدینشان به این اضطراب دامن می‌زند. آمار نشان می‌دهد، پدیده طلاق، تا دو سال پس از جدایی والدین، بیش از هر زمان دیگر به سلامت ذهنی و روانی کودک آسیب می‌زند و موجب افت تحصیلی و اختلال در رفتار اجتماعی می‌شود. البته جدال پدر و مادر بر روند یادگیری تأثیر زیادی نمی‌گذارد، بلکه به محض جدا شدن والدین، کودکان تحت تأثیر عواقب طلاق قرار می‌گیرند و دچار افت تحصیلی می‌شوند. در نتیجه خانواده‌ها برای رفع چنین مشکل بزرگی در جامعه، باید در انتخاب همسر توجه بیشتری به خرج بدهند تا کمتر شاهد چنین مشکلاتی در کشور باشیم.

نقش مربیان در کاهش افت تحصیلی کودکان طلاق

آسیب‌های طلاق تنها به محیط خانواده محدود نیست و با مشکلات کودکان طلاق در مدرسه دشواری‌های والدین بیشتر می‌شود. کودکان در پیش‌بینی آینده خطرات و مشکلات اجتماعی توانایی زیادی ندارند و ممکن است تصور زندگی بدون پدر و مادر، به‌خصوص در سنین مدرسه، برای آن‌ها دشوار باشد.

افت تحصیلی کودکان طلاق امری طبیعی است، مخصوصاً اگر این طلاق در طول سال تحصیلی اتفاق بیفتد. مقایسه‌شدن کودک با دیگران نیز یکی دیگر از مسائل مهمی است که باید والدین و معلمان نسبت به آن آگاهانه رفتار کنند. کودکان دبستانی در سنین ۷ تا ۹ سال، در فعالیت‌های مدرسه به فکر موفقیت و ارتباط سالم با هم‌سالان خود هستند. کودکان طلاق با مقایسه‌کردن خود با دیگران، شدیداً دچار افت تحصیلی و اعتمادبه‌نفس می‌شوند. کودکان طلاق به دلیل هیجانات متعاضی که احساس می‌کنند، نمی‌توانند عملکرد مثبت خود را دنبال کنند. آگاهی مربیان مدرسه و سطح بالای درک آن‌ها از شرایط کودکان طلاق، تأثیر زیادی بر عملکرد کودکان طلاق در مدرسه دارد و از مشکلات کودکان طلاق در مدرسه می‌کاهد. مربیان مدرسه باید از تأکید بر تصویر کلیشه‌ای از خانواده پرهیزند و انواع دیگر خانواده‌ها، مثل تک‌والدی یا خانواده‌های طلاق را نیز بدون هیچ‌گونه سوگیری منفی یا مثبت بیان کنند. رویکرد مربیان آموزشی باید بدون هیچ احساس ترحم و یا قضاوت باشد و در کمال احترام از بچه‌هایی که در این شرایط هستند بخواهند که خود را معرفی و درباره خانواده‌هایشان صحبت کنند.

خلاصه بحث و نتیجه‌گیری

طلاق والدین تنها زندگی خود آن‌ها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بلکه شاید بیش از آن بر زندگی کودکان تأثیر می‌گذارد. کودکان آسیب‌پذیرترین و بی‌دفاع‌ترین اعضای خانواده محسوب می‌شوند. آن‌ها والدین را تنها حامی و دلسوز خود می‌دانند که نجات‌بخش آن‌ها هستند. اختلافات خانوادگی نه‌تنها کانون امن خانواده را در هم می‌ریزد و سلامت جسمی و روحی کودکان را مختل می‌کند، بلکه نظم و امنیت اجتماعی را به شدت تهدید می‌کند. کودکان دبستانی، به دلیل صحبت زیاد از والدین و خانواده که از جانب مسئولان آموزش مطرح می‌شود، دائم با این سؤال در ذهنشان مواجه می‌شوند که چرا آن‌ها باید تافته جدا بافته باشند. به همین دلیل، اگر دیگران هم آن‌ها را طرد نکنند، خودشان به گوشه‌گیری و انزوا روی می‌آورند و مشکلات زیادی را تجربه خواهند کرد. برخی از کودکان به دلیل مشکلات خلقی نمی‌توانند به درس توجه کنند. حواسشان پرت است و با تنهایی خود سر می‌کنند. در این شرایط، آگاهی مربیان از خصوصیات بچه‌های طلاق و آموزش صحیح به آن‌ها، باید در اولویت باشد. هر سنی شرایط خاص خود را دارد و باید

از آن آگاهی داشته باشید و به اقتضای سن کودک با او رفتار کنید. به این منظور باید درباره نحوه رفتار با کودکان طلاق بیشتر بدانید. مربیان و معلمان کودکان با رفتار به دور از ترحم و دلسوزی و صحبت کردن در مورد طلاق با دانش‌آموزان می‌توانند از مشکلات تحصیلی کودکان طلاق کم کنند و اگر علائم افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و غیره را در کودکان مشاهده کردند، می‌توانند دانش‌آموزان را به مشاور مدرسه و روان‌شناس ارجاع دهند.

راهبردهای پیشنهادی

۱. مربیان سعی کنند در برخی درس‌ها که با مسائل خانواده مرتبط هستند، درباره طلاق و دلایل آن صحبت کنند.
۲. هرگز با ترحم به بچه‌های طلاق نگاه نکنند و نسبت به جدایی والدین نگاه بدی نداشته باشند.
۳. مراقب باشند، فرزندان که در آستانه طلاق والدینشان هستند، از این موضوع سوءاستفاده نکنند. در این شرایط، معلم باید برنامه‌های عادی درسی را به کودک توصیه کنند، اما در ارزیابی شرایط افسردگی را در نظر بگیرند.
۴. ممکن است برخی از کودکان خودشان بخواهند در مورد مسئله‌شان صحبت کنند. مربیان کاملاً پذیرا باشند، حتی اگر در کلاس ریاضی یا علوم هستند.
۵. مربیان اگر متوجه تغییرات شدید خلقی کودک شدند، روان‌شناس یا مشاور مدرسه را مطلع کنند.

منابع

۱. بانکی، یاسمن؛ امیری، شعله؛ اسعدی، سمانه (۱۳۸۸). «تربخشی کتاب درمانی گروهی بر میزان اضطراب جدایی و افسردگی در کودکان والدین طلاق گرفته». دوماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد. سال شانزدهم، شماره یک.
۲. دادفر، رضا؛ بازدار، فاطمه؛ نصرالهی، عباس؛ عبدالحسینی، امیر؛ احمدی، وحید (۱۳۹۲). «بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر سال اول دبیرستان شهرستان دره‌شهر در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰». مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام. دوره ۲۱، شماره ۶.
۳. زمانی‌زارچی، محمدصادق؛ لواسانی، مسعود غلامعلی؛ ازهای، جواد؛ اسکویی، علی؛ صمدی کاشانی، سحر (۱۳۹۷). «مطالعه پدیدارشناسانه تجارب هیجانی فرزندان طلاق». فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی. دوره ۱۲، شماره یک.
۴. سایت خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۹)، طلاق و افت تحصیلی (www.irna.ir).
۵. سایت حامی هنر زندگی (۱۳۹۹)، www.honarزندegi.com.
۶. شعبانی، جعفر و تات، معصومه (۱۳۹۵). «مقایسه نیم‌رخ روانی دانش‌آموزان دختر خانواده‌های طلاق و عادی دبیرستان شهرستان گرگان». فصلنامه خانواده و پژوهش. شماره ۳۶.
۷. یونسسی رباطی، زینب؛ علاءالدین، طلبعه؛ بابایی، مهناز (۱۳۹۴). «تاب‌آوری و پرخاشگری در فرزندان طلاق». روان‌شناسی معاصر، مجموعه مقالات پنجمین کنگره روان‌شناسی ایران.
۸. یحیی‌زاده، حسین و حامد، محبوبه (۱۳۹۴). «مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه». مطالعات زن و خانواده. دوره ۲، شماره ۳.
۹. یونسسی، فلورا؛ معین، لادن؛ شمشیری‌نیا، ترلان (۱۳۸۹). «مقایسه سلامت روان، عزت نفس و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی خانواده‌های طلاق و عادی شهرستان فیروزآباد سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷». فصلنامه زن و جامعه. سال اول. شماره ۲.